

آیا کتاب علوم اجتماعی «شهروند مطلوب» می سازد؟

گزارش سی و نهمین نشست نقد آثار غیرتخیلی کودکان و نوجوانان

محسن هجری: با عرض سلام به همه دوستان. در خدمت آقایان نصیری و ناصری و سرکار خانم دکتر فلاحیان هستیم که از گروه علوم اجتماعی تألیف کتب درسی تشریف آورده‌اند. دوستان به عنوان گروه تحقیق و پژوهش فعالیت می‌کنند و چیزی که ما در این برنامه از دوستان درخواست کرده‌ایم جمع‌بندی کارهای گذشته این واحد و برنامه‌های فعلی و چشم‌اندازهای آینده‌شان است. در کنار این، به بازخوردی که درس‌های اجتماعی و تعلیمات مدنی در مدارس، در گروه‌های سنی مختلف ابتدایی و راهنمایی و متوسطه داشته است، می‌پردازیم. البته احتمال دارد دوستان، به فراخور کارشان، یک مقطع خاص را ارزیابی کنند.

شاید این نکته اغراق نباشد اگر بگوییم که درس علوم اجتماعی، از مظلوم‌ترین و مغفول‌ترین درس‌های نظام آموزشی کشور است و به عنوان یک درس حاشیه‌ای به آن توجه می‌شود.

متأسفانه آموزش این درس به بچه‌ها کارآیی لازم را نداشته و حداقل ما گزارش‌هایش را نشنیده‌ایم و درباره بازخورد تدریس تعلیمات اجتماعی، چیزی نمی‌دانیم و کار کارشناسی‌ای در این مورد ارائه نشده. علی‌رغم زحمات‌های بسیاری که گروه کارشناسان برای تدوین، جمع‌آوری و ساده کردن مباحث می‌کنند که بتوانند دانش‌آموزان را با مفاهیم پایه‌ای در علوم اجتماعی آشنا کنند، ظاهراً چنین اتفاقی نیفتاده است. ما از دوستان خواسته‌ایم که امروز ما را آشنا بکنند با درس علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی‌هایی که در زمینه این درس شده و بازخوردهایی که داشته است. ما در خدمت‌تان هستیم.

نصیری: سلام دارم خدمت همه حضار معظم و تشکر می‌کنم از مسئولان خانه کتاب که این فرصت را ایجاد کردند و این جلسه را به درس علوم اجتماعی اختصاص دادند. آقای هجری اشاره‌ای کردند به مظلومیت برنامه علوم اجتماعی. اگر بخواهیم به مظلومیت بپردازیم، خیلی از برنامه‌های ما به دلایل مختلفی از این صفت برخوردارند و فقط علوم اجتماعی نیست.

با توجه به زمانی که برای جلسه پیش‌بینی شده، من خیلی کوتاه و گزیده، نحوه کارمان را در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف خدمت عزیزان عرضه می‌کنم تا مقداری آشنایی ذهنی پیدا بکنید که چه طوری ما برنامه‌ای را آماده و تبدیل به کتاب درسی می‌کنیم. بعد برنامه دوره ابتدایی را خانم دکتر فلاحیان ارائه خواهند داد و در مورد برنامه دوره راهنمایی هم آقای ناصری توضیح خواهند داد. در پایان

سی و نهمین نشست نقد آثار غیرتخیلی کتاب ماه کودک و نوجوان، با عنوان «جایگاه علوم اجتماعی در آموزش عمومی»، در روز یکشنبه ۸۴/۳/۲۲ برگزار شد. در این نشست عبدالله نصیری، محمدمهدی ناصری و دکتر ناهید فلاحیان، کارشناسان دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش حضور داشتند.





هم می‌توانیم به بحث و صحبت‌های شما بپردازیم.

به طور کلی، ما هشت عنوان درسی در دوره ابتدایی داریم و چهارده عنوان درسی در دوره راهنمایی. گروه‌های درسی که برای هر یک از این عناوین در دفتر برنامه‌ریزی شکل گرفته، متشکل از کارشناسان و متخصصان، معلمان و صاحب‌نظران بخش برنامه‌ریزی درسی، موضوعی (رشته درسی)، روان‌شناسی کودک و نوجوان، تکنولوژی آموزشی و رشته‌های دیگری است که برای برنامه‌ریزی و تألیف نیاز است. با دعوت از این افراد، این شوراهای شکل می‌گیرد. شورای برنامه‌ریزی معمولاً کارش را با نیازسنجی آغاز می‌کند. نیازسنجی‌ها در ابعاد متفاوتی از جامعه و در بین مخاطبان، دانش‌آموزان و معلمان صورت می‌گیرد و یا به ماهیت دانش و روش‌هایی مربوط می‌شود که امروزه

در پژوهش‌های تطبیقی به آن نیاز است. در این روند، آن چه در حوزه هر یک از این برنامه‌ها مطالعه یا تجربه شده، چه در داخل یا خارج کشور، جمع‌آوری می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. مرحله اول کار، نیازسنجی است تا ببینیم به چه مواد خاصی نیاز داریم. همه این اطلاعات وارد شورا می‌شود و در شورا مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و گام بعدی را که تعیین رویکرد برنامه است، شورا تبیین می‌کند.

ما رویکرد را دیدگاه کلی می‌دانیم که هر گروه درسی، برای فرآیند یاددهی -

عبدالله نصیری:

بحث‌هایی مثل تربیت شهروند یا تربیت دینی و

امثالهم مختص یک درس نیست.

تربیت شهروند، هدفی با رویکرد خاص

علوم اجتماعی نیست. درست است که

این برنامه حامل اصلی این رویکرد و هدف

خواهد بود، ولی همه برنامه‌های درسی ما

به نحوی این هدف را در برنامه در نظر می‌گیرند.

تربیت دینی چیزی نیست که فقط کتاب‌های

هدیه‌های آسمان دنبال بکنند. حتی کتاب فارسی هم

به نحوی آن را دنبال می‌کند. بحث شهروندی

در خیلی از برنامه‌ها بوده و به خوبی هم

روی آن کار شده

یادگیری نسبت به مخاطب انتخاب می‌کند. ما می‌کشیم واحدی داشته باشیم به عنوان رویکرد دوره که همه دروس باید به آن بپردازند. البته باتوجه به ماهیت دانش و ماهیت هر برنامه درسی، رویکرد مخصوص آن برنامه موردتوجه شورا قرار می‌گیرد.

پس از انتخاب رویکرد برنامه، راهنمای برنامه درسی تدوین می‌شود. این راهنما سندی است که آماده می‌شود برای مؤلفان تا از روی آن سند بتوانند تألیف کتاب‌های درسی را انجام بدهند. مرحله بعدی تدوین اهداف برنامه است. در این مرحله، اهداف برنامه از جهت کلی، جزئی و حیطه‌های مختلف یاددهی - یادگیری که در حیطه‌های دانشی، نگرشی و مهارتی است، تنظیم و تدوین می‌شود. مؤلفه دیگری که در این سند به آن پرداخته می‌شود، جدول وسعت - توالی است که در هر پایه (فرضاً در دوره ابتدایی، پنج پایه یا بعضی از

کتاب‌ها مثل مطالعات اجتماعی در سه پایه) از سوم تا پنجم چیده شده است. این پایه‌ها باید نوعی وسعت - توالی با همدیگر داشته باشند از لحاظ مفاهیمی که دنبال می‌شود. این جداول توسط شورا تهیه می‌شود.

مؤلفه دیگری که مورد توجه قرار می‌گیرد، نحوه سازمان دهی محتواست یا گزینش محتوا که در این مرحله، اصول سازمان‌دهی و اصول گزینش محتوا مورد توجه قرار می‌گیرد. مؤلفان در گزینش محتوا یا سازمان‌دهی آن، باید به این اصول توجه بکنند.

سپس روش‌های یاددهی - یادگیری و روش ارزش‌یابی طراحی می‌شود. روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزش‌یابی، متناسب با رویکرد و اهداف برنامه در نظر گرفته می‌شود. مؤلفه دیگری که در این راهنما به آن پرداخته و آماده می‌شود، صلاحیت معلم است. برنامه‌ای که ما با این رویکرد، اهداف و روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزش‌یابی می‌نویسیم، طبعاً باید توسط معلمی در کلاس درس اجرا شود. حالا می‌خواهیم ببینیم این معلم دارای چه صلاحیت‌هایی باید باشد. او باید دارای صلاحیت‌های عمومی و صلاحیت‌های تخصصی باشد. باید بررسی کنیم که چه چیزهایی باید بداند و چه مهارت‌هایی باید داشته باشد. این مهارت‌هایی است که اگر معلم از آن برخوردار باشند، می‌توانند برنامه را اجرا کنند. در غیر این صورت، باید این مهارت‌ها به معلم اعطا شود تا بتوانند برنامه را اجرا کنند.

مؤلفه دیگری که مورد توجه قرار می‌گیرد، اشاعه برنامه است که چگونه این برنامه باید در کشور رواج پیدا کند و مراحل مختلفی که باید برای اشاعه این برنامه پیش‌بینی شود. نحوه اطلاع‌رسانی به گروه معلمان، به استان‌ها و ورود این برنامه



به عرصه آموزش و کلاس درس، در این مرحله مورد توجه قرار می‌گیرد. راهنمای برنامه پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی، به دفتر برنامه‌ریزی ارائه می‌شود. فعالیت بعدی اعتباربخشی برنامه است. به یکی از پژوهشگران معمولاً سفارش کار داده می‌شود. اعتباربخشی را به این معنا می‌گیریم که این راهنما باید توسط متخصصان برنامه‌ریزی درسی، متخصصان علوم تربیتی، متخصصان موضوعی آن رشته درسی، معلمان مجرب (گروه‌های آموزشی استان‌های کشور) و روان‌شناسان کودک، مورد بررسی و اظهار نظر قرار گیرد. این راهنما برای این افراد ارسال می‌شود و با ابزاری هم‌چون پرسش‌نامه و مصاحبه، اطلاعات جمع‌آوری می‌شود. ممکن است یک جلسه با حضور برنامه‌ریزان و شورای برنامه‌ریزی و پژوهشگران و افراد ذی‌ربط برگزار شود و برنامه مورد نقد و بررسی قرار گیرد. اعتباربخشی با هدف اصلاح، تکمیل یا حذف بخشی از برنامه و تکمیل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه‌ای که از این مراحل می‌گذرد، معمولاً برنامه‌ای است که آماده می‌شود تا از روی آن برنامه، شورای تألیف به تألیف کتاب درسی اقدام بکند. در آخرین مرحله، راهنمای برنامه درسی، به شورای عالی آموزش و پرورش

ارسال می‌شود تا به تصویب شورای عالی برسد. سپس اولین نسخه کتاب درسی تألیف شده، در مرحله اجرای آزمایشی قرار می‌گیرد. در دوره ابتدایی دو سال و در دوره راهنمایی یک سال، زمان اجرای آزمایش است. در مرحله اول پانزده کلاس و در مرحله دوم صد کلاس از نقاط مختلف کشور، به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. معلمان مجری اجرای آزمایشی، آموزش می‌بینند و برای تدریس کتاب جدید آماده می‌شوند. سپس توسط محققان، از اجرای آزمایشی ارزشیابی می‌شود و نتایجی که از اجرای آزمایشی به دست می‌آید، در تغییر کتاب نقش به‌سزایی دارد.

یک یا دو سال این روند طی می‌شود تا این که برنامه به مرحله سراسری می‌رسد. در سال اول اجرای سراسری، معمولاً به کتاب مهر اعتبار زده نمی‌شود. در سال اول اجرای سراسری، شورای تألیف و شورای برنامه‌ریزی تلاش می‌کنند تا براساس نتایجی که به دست می‌آوردند، در کتاب تغییرات لازم را به وجود بیاورند و کتاب را به حدی برسانند تا تولید مطلوب و با کیفیت‌تری برای بخش آموزش ارائه شود. بعد از این مرحله، کتاب مهر پنج ساله می‌خورد و تا پنج سال غیرقابل تغییر خواهد بود.

قابل ذکر است که برنامه درسی، همه کتاب درسی نیست و کتاب درسی جلوه‌ای از برنامه درسی است، نه همه آن. رسانه‌های دیگر یا عناصر دیگری در کنار کتاب درسی وجود دارند که آن‌ها هم تکمیل‌کننده برنامه درسی‌اند. این خلاصه‌ای بود از روند کار ما. حالا دوستان درباره دوره ابتدایی و راهنمایی توضیحاتی خدمت‌تان می‌دهند.

فلاحیان: من مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی هستم. تشکر می‌کنم از آقای نصیری. ایشان معاون آموزش عمومی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی هستند و در واقع بر تمام برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی نظارت و مدیریت دارند.

به هر حال، مراحل برنامه شامل تقریباً تمام برنامه‌های درسی می‌شود؛ از جمله برنامه درسی مطالعات اجتماعی و علوم اجتماعی. من اجازه می‌خواهم بحثی را شروع کنم و توضیحاتی در ارتباط با درس مطالعات اجتماعی بدهم و در ضمن این بحث، وضعیت موجود و چشم‌انداز آینده را هم

ترسیم بکنم. از توجه شما پیشاپیش تشکر می‌کنم. نظام آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم، با مشکلات متعددی در ارتباط با جامعه، اقتصاد، فرهنگ و فناوری روبه‌روست و به روز کردن برنامه‌های درسی، در دستور کار همه کشورهای جهان قرار گرفته است و منحصر به کشور ما نیست. هم کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه، ناچارند با توجه به شتابی که در تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جهان امروز وجود دارد، پیوسته خودشان را به‌هنگام و به‌روز بکنند. بنابراین، این یک پدیده عام در جهان امروز است که هرچه جلوتر می‌رویم، با توجه به پیچیده‌تر شدن ابعاد زندگی و شتاب گرفتن تحولات اجتماعی، به‌هنگام کردن برنامه‌های درسی، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

نکته بعدی این است که در رویکرد جدید تعلیم و تربیت، پرورش تمامیت انسان به‌عنوان یک واحد زیستی، روانی، اجتماعی و در حال رشد مدنظر قرار می‌گیرد؛ یعنی تعلیم و تربیت می‌خواهد امروز به همه ابعاد جسمی، عاطفی، ذهنی، اخلاقی و غیره به‌طور یک‌پارچه توجه کند. در گزارش کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم به یونسکو که دفتر همکاری‌های

علمی - بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش آن را ترجمه کرده و در کتابی به نام گنج درون گنجانده که شاید مطالعه کرده باشید، آمده است که تعلیم و تربیت باید حول چهار محور اساسی سازمان پیدا کند: یادگیری چگونه دانستن، یادگیری چگونه انجام دادن، یادگیری زندگی با دیگران (مشارکت و همکاری) و چهارم یادگیری چگونه بودن که این چگونه بودن، از آن سه محور دیگر حاصل می‌شود. تعلیم و تربیت باید به همه این محورها به طور یکسان توجه بکند. لذا ما می‌بینیم که مدارس مسئولیت سنگینی پیدا می‌کنند. برای این که باید صلاحیت‌های اجتماعی موردنیاز را پرورش دهند.

از طرف دیگر، اولاً نیازهای جامعه در حال تغییر است و ثانیاً خود فراگیرندگان پیوسته در حال تغییرند. بچه‌های امروز حتی با بچه‌های ده یا پنج سال پیش، نیازها و ماهیت زندگی‌شان فرق کرده. سوم ساختار و ماهیت دانش است. دانشی که امروزه عرضه می‌شود، در حال تغییر است و به همین لحاظ، برنامه‌های درسی هم در حال تغییر است و ضرورت دارد که تغییر یابد.

از طرف دیگر، امروزه رویکرد جدید در دنیا این است که بین برنامه‌های درسی و مشکلات و مسائل اجتماعی، پیوندی به وجود می‌آورند؛ یعنی دیگر یادگیری صرف دیسیپلین‌ها یا شاخه‌های دانش، به طوری که آموزش منحصر به اصول و مبانی این‌ها

باشد، مطرح نیست و لذا پیوندی بین برنامه‌های درسی و نیازها و مشکلات اجتماعی به وجود آمده است. صرفاً تخصص‌ها مطرح نیستند. چه طور؟ این که نمی‌خواهیم یک جغرافیدان یا یک متخصص علوم اجتماعی تربیت کنیم که همه تئوری‌های علوم اجتماعی را بداند و تمام ساختار و شعبات و اصول و مبانی این درس‌ها را بداند، بلکه امروزه در اکثر برنامه‌های درسی کشورهای پیشرفته، از علوم فقط کمک می‌گیرند و علوم در دوره آموزش عمومی، به عنوان یک ابزار و یک بستر مطرح می‌شود.

بنابراین در دوره آموزش عمومی، هدفمان تربیت دانشمند و متخصص کوچولو نیست. هدف این است و باید باشد که از این علوم به عنوان یک پل یا یک بستر کمک بگیریم تا شهروندی شایسته تربیت بکنیم. تربیت شهروندانی که بتوانند در جامعه‌شان مشارکت بکنند و در همان کودکی و نوجوانی، احساس مسئولیت داشته باشند.

هم‌چنین، مسائل فردی و اجتماعی‌شان را بشناسند و بتوانند حل کنند یا حداقل نگاهی این‌چنینی به مشکلات داشته باشند. آن‌ها باید مهارت‌های لازم را برای زندگی در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، فراگیرند. مهارت‌های موردنیاز زندگی هم در حال تغییر و تحول است. شاید مثلاً ده سال پیش، کودکان احتیاج به یک سری مهارت‌ها نداشتند؛ چون برخی از ابزار و وسایل وجود نداشته است یا مثلاً در بعضی از محیط‌ها و جوامع، نیاز به بعضی از مهارت‌هایی که زندگی در یک شهر بزرگ طلب می‌کند، اصلاً مطرح نبوده است. هم‌چنین شهروندان باید آینده‌نگری و قدرت نقادی داشته باشند. پس جهت‌گیری یا رویکرد کلی مطالعات اجتماعی باید تربیت شهروند باشد، نه آموزش علوم اجتماعی. منظور از علوم اجتماعی، علوم انسانی و اجتماعی به طور کلی و یا همه شاخه‌های آن است. تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، فرهنگ و کلیه علوم که ما می‌توانیم تحت عنوان علوم اجتماعی آن‌ها را مطرح کنیم. پس هدف در دوره آموزش عمومی، تربیت متخصص علوم اجتماعی نیست، بلکه تربیت شهروند است.

نکته دیگر این است که چه نوع شهروندی می‌خواهیم تربیت بکنیم و شهروند مطلوب کیست؟

شهروند مطلوب کسی است که بتواند دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی را که برای زندگی در یک جامعه ضروری و لازم است، فراگیرد. برای زندگی در هر جامعه‌ای هم، دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی خاص لازم است. بنابراین، شهروندان مطلوب در کشورها و جوامع مختلف، متفاوت و دارای معانی گوناگون هستند. اگرچه نمی‌توانیم یک تعریف عام از شهروند مطلوب داشته باشیم، من وقتی تعریف شهروند مطلوب را در بسیاری از کشورها بررسی کردم، متوجه شدم نکات مشترک فراوانی وجود دارد. مثلاً بسیاری از برنامه‌ریزان علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی دوست دارند بچه‌ها مسئول بار بیابند، مشارکت و همکاری داشته باشند. آن‌ها مایلند کودکان به شهروندانی تبدیل شوند که به حقوق‌شان، مسئولیت‌ها و وظایف‌شان آشنا باشند و خلاصه نکات مشترک در برنامه‌های شهروندی همه کشورها زیاد است.

پس حالا که فهمیدیم رویکرد مطالعات اجتماعی، رویکرد تربیت شهروند مطلوب است، در این لحظه جایگاه ویژه این درس مشخص می‌شود. نکته دیگر

ناهِید فلاحیان:

در ارتباط با کتاب‌های درسی سایر کشورها،
باید بگویم که در کتابخانه دفتر برنامه‌ریزی و تألیف،
کتاب‌های درسی سایر کشورها موجود است. من با مطالعه
برخی از این کتاب‌ها، می‌توانم به شما بگویم که وضع
کتاب‌های درسی ما و مطالبی که در آن گنجانده شده،
از همسایگان مان بهتر است. از خیلی از کشورهای خاورمیانه
و وضعیت ما بهتر است. در برخی از کشورها مثلاً در فیلیپین،
من در مدارس دیدم که بچه‌ها موظف هستند کتاب را حفظ کنند و
سال بعد به کس دیگری بدهند. اگر آن کتاب را از بین می‌بردند،
آن خانواده باید هزینه زیادی پرداخت می‌کرد

این که اصولاً میان تربیت اجتماعی و مطالعات اجتماعی فرقی وجود دارد.

تربیت اجتماعی یک اصطلاح عمومی است و تأثیر تربیتی همه محیط‌ها را دربرمی‌گیرد. فرض کنید خانه، مدرسه و اجتماع و تلویزیون و غیره همه در تربیت اجتماعی تأثیر دارند. پس می‌توانیم بگوییم برنامه درسی مطالعات اجتماعی که ما از آن صحبت می‌کنیم، یکی از ارکان تربیت اجتماعی است.

در این جا باید نقل قول کنم از مرحوم آقای علاقه‌مندان رئیس سابق سازمان پژوهش که در یک مصاحبه تلویزیونی، این نکته را مطرح کردند که مدرسه یکی از ارکان و عوامل تربیت اجتماعی است و نه همه آن و مثال زدند. مثلاً ما در کتاب درسی‌مان

آموزش می‌دهیم که شما بچه‌ها چگونه مقررات راهنمایی را ندگی را رعایت کنید. بعد عامل دیگری در جامعه وجود دارد به نام قانون‌گریزی و بچه می‌بیند که در جامعه عمل نمی‌شود.

بنابراین، برای تربیت اجتماعی باید همه عوامل و ارکان هماهنگ شوند. اگر ما به آن تربیت اجتماعی خیلی مطلوب فکر می‌کنیم، در واقع باید همه این بسترها و عوامل با همدیگر به طور مکمل وارد عمل شوند. لذا اصطلاح تربیت اجتماعی،

به تعلیم و تربیت عمومی مربوط است. درس مطالعات اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در تربیت اجتماعی دارد؛ چون اصلاً اسم این درس مطالعات «اجتماعی» است. اما در ارتباط با وضعیت موجود کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و کلاً برنامه‌های دفتر، خدمت شما عرض کنم که ما کلاً دو برنامه داشتیم؛ یک برنامه کوتاه مدت و یک برنامه درازمدت. برنامه کوتاه مدت ما این بود که کتاب‌های موجود را اصلاح و بازنگری کنیم. به خصوص در دوره ابتدایی، تقریباً در کتاب‌های ما تغییراتی از لحاظ درج فعالیت‌ها و توجه به مهارت‌ها و نیز افزودن تصاویر جذاب به وجود آمد و سعی کردیم بچه به سمت تقویت مهارت‌ها سوق یابد. در این مسیر، پرسش‌هایی مطرح کردیم و از معلم‌ها خواستیم زیاد بر جنبه محفوظاتی تأکید نکنند و بیشتر به جنبه‌های مهارتی بیندیشند و لذا در عین تغییرات، ساختار اصلی حفظ شده است. حجم کتاب‌ها هم کم و درس‌ها خلاصه‌تر، روشن‌تر و گویاتر شده است.

اما این کافی نیست. برای این که ما از ابتدا یک برنامه بلندمدت هم داشتیم و آن برنامه‌ای است که بسیار مهم‌تر است و آن‌شاءالله پایه‌های آن هم ریخته



البته یکی از نکاتی که به آن توجه کرده‌ایم، این است که درس‌های علوم اجتماعی را که به صورت واحدهایی مجزا هستند، به صورت یک حوزه یادگیری دربرآوریم. یعنی این که نخواهیم به طور جداگانه تاریخ، جغرافیا، مدنی و این رشته‌ها را تدریس کنیم، بلکه بخواهیم تلفیق و آمیزه‌ای از این‌ها را بر مبنای انتخاب و گزینش یک سری از تم‌ها، با توجه به همان بستر و ابزاری که گفتیم (علوم مختلف بستر و پل هستند برای رسیدن به شهروند مطلوب) طراحی بکنیم.

از مهم‌ترین اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی، می‌توان به درک هویت ملی و مذهبی، عشق به سرزمین، کمک به جامعه‌پذیری و انطباق با واقعیت‌های زندگی اجتماعی، پرورش تفکر انتقادی، پرورش صلاحیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز اجتماعی اشاره کرد. به عنوان اطلاع‌رسانی، خدمت شما بگویم که در دفتر ما، برخی پژوهش‌های تطبیقی در این زمینه انجام شده و برنامه‌های مطالعات اجتماعی در کشورهای مختلف، مورد تحقیق قرار گرفته است.

یک راهنمای مقدماتی هم در این زمینه تولید شده، جلسات و بحث‌های طولانی با متخصصان و کارشناسان انجام گرفته و یکی از کارهای مفیدی که دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در این زمینه داشته، برپایی یک کارگاه آموزشی در ماه گذشته بوده. اساتیدی از کشور استرالیا که متخصص در برنامه درسی مطالعات اجتماعی بودند، از دانشگاه «کوئینزلند» دعوت شدند و این اساتید در پنج روز، برنامه‌ریزان و کارشناسان و تعدادی از معلمان را برای تولید راهنمای همان برنامه‌ای که در آینده داریم، آموزش دادند.

در برنامه‌های آتی، یکی از چیزهایی که باید به آن توجه کنیم، برنامه سند چشم‌انداز توسعه کشور در افق بیست ساله است که در آن به توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی توجه شده است. این سند به تصویب مقام معظم رهبری هم رسیده است. اهداف و راهبردهای برنامه چهارم توسعه و مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منتشر شده، ایده‌های خوبی برای تربیت شهروند مطلوب فراهم می‌آورند.

من فکر می‌کنم یکی از سندهای خوبی که برنامه‌ریزان باید به آن توجه کنند در طراحی این برنامه درسی جدید مطالعات اجتماعی، همین مستندات برنامه

چهارم است. برای مثال، برخی نکات قابل توجه در این مستندات عبارتند از: حفظ و ارتقای حقوق شهروندی، حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی، پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی، تقویت جامعه‌پذیری نسل جوان، حفظ خرده فرهنگ‌ها و ارزش‌های اجتماعی مناطق، گسترش فرهنگ کار و قناعت، فرهنگ شایسته سالاری در مقابله با فرهنگ ظاهرسازی، تقویت بنیاد خانواده، پایدارسازی الگوهای تولید و مصرف، حفظ محیط‌زیست، انسجام اجتماعی، ترویج و تعیین فرهنگ معنویت، قانون‌پذیری و از همه مهم‌تر روحیه امیدواری، نشاط و تحول. این‌ها نکاتی است که در برنامه چهارم مورد تأکید قرار گرفته و ما می‌توانیم خیلی خوب این‌ها را در تدوین برنامه مطالعات اجتماعی آینده مد نظر قرار بدهیم. یکی از نکاتی که دوست دارم در این‌جا مطرح کنم، این است که در کارگاهی که قبلاً ذکر شده، یکی از اساتید استرالیایی نکته جالبی مطرح کرد. طبق پژوهشی که انجام شده بود، می‌گفت ما بررسی کردیم که کتاب‌های ما برای بچه‌ها خیلی استرس ایجاد می‌کند؛ چون ما مشکلات اجتماعی را زیاد در این کتاب‌ها مطرح می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم جنگل‌ها از بین می‌روند. خاک‌ها فرسایش پیدا کرده‌اند. لایه ازن نازک شده است. آلودگی و سرطان همه جا را گرفته است. با انفجار

شده و اگر موفق شویم آن برنامه را اجرا کنیم، در واقع به آن برنامه مطالعات اجتماعی مطلوب خواهیم رسید.

حالا ببینیم عواملی که باعث شده دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران به فکر ضرورت تغییر برنامه مطالعات اجتماعی بیفتند، چیست؟ اولاً تحولات اجتماعی که در جامعه ما پدید آمده و نیازهای جدیدی که در کودکان و نوجوانان ما به وجود آمده و بین پاسخگویی متناسب به این نیازها و هدایت آن‌ها شکافی وجود دارد که باید با یک برنامه جدید پر شود. تحولات خاصی هم در چند دهه اخیر روی داده؛ مانند انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، مراحل بعد از جنگ و دوران‌های مختلفی مانند سازندگی، اصلاحات و غیره... از طرفی، تحولات فراگیری هم در دنیا اتفاق می‌افتد؛ مثل توسعه شهرنشینی، پیشرفت وسایل ارتباطی، تبدیل خانواده‌های گسترده به خانوارهای هسته‌ای و این که کم‌کم به سمت تک‌فرزندی پیش می‌رود، افزایش معلومات عمومی کودکان به دلیل دسترسی آسان به وسایل ارتباط جمعی، رواج بازی‌های رایانه‌ای، گسترش انتظارات مردم از مدرسه، نحوه‌گذران اوقات فراغت بچه‌ها و... همه این‌ها باعث می‌شوند تا ناگزیر از تغییر برنامه باشیم.

جمعیت روبه‌رو هستیم و لذا وقتی ما کتاب‌های اجتماعی‌مان را به این شکل درآوریم، هرگونه امید و نشاطی را از بچه‌ها می‌گیریم. سپس در ادامه، ایشان با ارائه آمار و ارقامی ثابت کرد که هنوز هم جای بسیاری در زمین بشر وجود دارد. هنوز هم جنگل‌های زیادی وجود دارند و اوضاع آن‌قدر هم که گفته می‌شود، بد و غیر قابل تحمل نیست. او در نتیجه‌گیری از ما چیزی خواست که من هم می‌توانم در جمع به عنوان یک نکته قابل توجه مطرح بکنم: ما باید توجه داشته باشیم که برنامه درسی مطالعات اجتماعی یا کتاب‌هایی که در زمینه اجتماعی می‌نویسیم، ضمن این که واقع‌گرایانه باشند، به کتاب «مشکلات اجتماعی» تبدیل نشوند که طی آموزش آن‌ها، روحیه امیدواری و اعتماد به نفس نسبت به آینده را از بچه‌ها بگیرند. خیلی متشکرم.

ناصری: من هم به نوبه خودم تشکر می‌کنم از مسئولان محترم خانه کتاب که این فرصت را برای ما فراهم کردند. همکاران من به جنبه‌ها و نکات گوناگون و خوبی پرداختند و لذا کار مرا خیلی آسان کردند. من در این جا فارغ از آن چه به صورت تخصصی در حوزه جامعه‌شناسی در دبیرستان مطرح می‌شود، بیشتر توجه می‌کنم به بخش راهنمایی که ادامه و تکمیل‌کننده حوزه مطالعات اجتماعی در دوره ابتدایی است. من فعالیت‌ها را در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف از سال ۶۷ آغاز کردم. وقتی به سال‌های اول فعالیت‌مان می‌اندیشم، می‌بینم که کار ما در حال حاضر، به وضعیت نسبتاً مطلوبی رسیده و این حاکی از یک دوران عقلانیت در کار است. البته ما تا به این دوره برسیم، دوره‌هایی را به پشت سر گذاشتیم. بعد از انقلاب، نظام سیاسی - اجتماعی جدیدی مطرح شد و می‌بایست ارکان و خصوصیات این نظام را به دانش‌آموزان می‌شناسانیدیم. بعد از این دوره اضطرار، همان‌طوری که گفتم، یک دوره عقلانیت در کار را پیش رو داشتیم. در واقع می‌خواستیم با توجه به ماهیت برنامه درسی به عنوان یک علم، این تولید به صورت طبیعی انجام شود و رشد پیدا کند. الان فکر می‌کنم ما به یک دوره پختگی و بازاندیشی رسیده‌ایم و حالا در علوم اجتماعی دبیرستان، این دوره بازاندیشی را شروع کرده‌ایم. ما

سعی کردیم که به صورت علمی برنامه درسی را به عنوان مهم‌ترین سند تولید مواد درسی داشته باشیم. الان به این جا رسیده‌ایم که با توجه به خصوصیات جامعه و با نیازهای مخاطبان خودمان، احیاناً با تغییراتی که در هر حوزه علمی به وجود آمده، این برنامه‌ها را چگونه مجدداً سازمان‌دهی کنیم؟ برنامه درسی تعلیمات اجتماعی هم در واقع این فراز و نشیب را بعد از انقلاب داشته است. ما بعد از انقلاب سعی کردیم که قانون اساسی را به عنوان مهم‌ترین سند یک حرکت عمیق اجتماعی - سیاسی، محور برنامه‌های درسی خودمان قرار دهیم. تا مدت‌ها این رویکرد، به عنوان یکی از ضرورت‌های برنامه درسی مطرح بود. تغییرات اجتماعی و در واقع دانش‌آموز ما، ما را مورد سؤال قرار داد که مصداق این اصل در ارتباطات اجتماعی ما و در زندگی اجتماعی چیست؟ بعد از این دوره، دنبال این بودیم که ببینیم انعکاس این حرکت و تحول در زندگی اجتماعی دانش‌آموزان ما چیست؟ در واقع، این زمینه‌ها بود که ما را به اصلاح و بازبینی این کتاب‌ها واداشت.

در فرآیند برنامه‌ریزی و تألیف مواد درسی شورای برنامه‌ریزی، عقل‌افزار کار است. در ترکیب شورای برنامه‌ریزی، صاحب‌نظران موضوعی، روان‌شناسان

اجتماعی، معلمان مجرب، برنامه‌ریزان درسی و خلاصه ترکیبی از متخصصان مختلفی که در حوزه آموزش مطرح هستند، گرد هم می‌آیند و برنامه درسی را به عنوان نرم‌افزار کار تولید می‌کنند و همان‌طور که اشاره شد، کتاب درسی به عنوان سخت‌افزار این فرآیند مطرح است. ما در کنار کتاب‌های درسی، مواد آموزشی دیگر هم داریم.

ما در حوزه آموزش علوم اجتماعی، به ابعاد مختلف آن توجه می‌کنیم؛ از جمله اهداف‌شناختی، دانشی، آگاهی‌ها و اطلاعاتی که دانش‌آموز باید نسبت به آن‌ها آگاهی پیدا کند، اما چه بسا مهم‌تر از آن‌ها، مهارت‌هایی که به نوعی در آن حوزه از علم مطرح است، یعنی مهارت‌های اجتماعی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند و همین‌طور نگرش‌های اجتماعی.

اهداف برنامه درسی ما به سه حیطه دانشی، مهارتی و نگرشی تقسیم می‌شود. منابع این اهداف ویژگی‌های دانش‌آموز، نیازها و شرایط جامعه و همین‌طور تغییراتی است که در ساختار آن علم پیش می‌آید. در حوزه علوم اجتماعی، اولاً دانش‌آموز با نیازهای خودش و با نیازهای اجتماعی خودش آشنا می‌شود.

محمد مهدی ناصری:

ما یک موقعی به صورت شعاری می‌خواهیم ایده آل‌ها را مطرح کنیم، ولی یک موقع با توجه به مسائل و مشکلات مان می‌خواهیم بهترین راه حل را انتخاب کنیم. ما کم کم به حوزه برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز نزدیک شده‌ایم و تجاربی کسب کرده‌ایم. هر سال بعضی از مواد درسی را سازمان برای این کار معرفی می‌کند. شما می‌بینید که به دلیل مشکلاتی که در زمینه تولید کتاب‌های کمک درسی و کمک آموزشی داریم، چه مصیبت‌هایی می‌کشیم

ثابتاً سازمان‌ها و تشکل‌های مدنی و گروه‌های مختلفی را که محیط اجتماعی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهند، می‌شناسد. در این آشنایی، لایه دیگری از واقعیت اجتماعی مطرح می‌شود که آن را در دوره راهنمایی مطرح می‌کنیم. در دوره سه ساله دبیرستان، ما دانش‌آموز را با یک لایه عمیق‌تر که به جامعه ملی مربوط می‌شود، آشنا می‌کنیم. در این دوره، نظام بین‌الملل و رابطه آن با جامعه ملی در دوره پیش دانشگاهی مطرح می‌شود.

اگر بخواهیم با زبان جامعه‌شناسی صحبت کنیم، ما در یک لایه دانش‌آموز را به عنوان فردی که در گروه زندگی می‌کند، در یک لایه عمیق‌تر این که او دارای نقشی است و در لایه بعدی این که هر کدام از این نقش‌ها خودشان تکیه دارند به نظام فرهنگی، در نظر می‌گیریم.

الان منتظریم ببینیم که تجربه جدید ما در حوزه مطالعات اجتماعی چه می‌شود و این که چه قدر می‌توانیم این را در آموزش عمومی وسعت بدهیم. من بسیار امیدوارم که مطالعات اجتماعی، با تلاش و جدیتی که مسئولان دارند، توسعه پیدا کند و آموزش راهنمایی و حتی سال اول دبیرستان ما را که به نوعی به عنوان آموزش عمومی مطرح است، دربر بگیرد.

هجری: متشکریم. آقای نصیری، در مورد بازخورد درس‌های علوم اجتماعی، اگر آماری وجود دارد، خوشحال می‌شویم بشنویم.

نصیری: در مورد برنامه‌های درسی‌مان، به چند صورت بازخورد به ما داده می‌شود. یکی این که معلمان کشور یا حتی شاگردان، به راحتی با ما مکاتبه دارند و نظرشان را در مورد کتاب درسی به ما انتقال می‌دهند. همه این نامه‌ها به گروه درسی مربوطه ارسال می‌شود و مورد توجه گروه‌ها قرار می‌گیرد و حتی اگر به پاسخی نیاز داشته باشد، برای شاگرد یا معلم ارسال می‌گردد. یکی از کارهای دیگری که ما می‌کنیم، پژوهش‌هایی است که برای هر برنامه پیش‌بینی می‌شود. ما این پژوهش‌ها را یا به دانشگاه‌ها سفارش می‌دهیم یا به مؤسسه پژوهشی خودمان. کاری هم که در برنامه‌مان به طور مطلق هست، ارزش‌یابی پایانی برنامه‌هاست که معمولاً بعد از سه یا پنج سال که برنامه‌ای مستقر می‌شود در بخش اجرا، آن برنامه را به سمت اجرای یک ارزش‌یابی پایانی می‌بریم. ارزش‌یابی پایانی، به جهت هدف‌های کسب شده از برنامه است. درخصوص برنامه درسی مطالعات اجتماعی یا بهتر بگوییم علوم اجتماعی دوره ابتدایی و



داشتید و در این مورد آیا تجربه میدانی انجام شده؟ مراکز پژوهشی این کارها انجام داده‌اند یا نه؟

نصیری: الان عدد و رقم در ذهنم نیست، اما در این زمینه پژوهش‌هایی انجام داده‌ایم. برای بخش ابتدایی، الان شش سند در دفتر موجود است و جزو منابعی است که گروه خانم فلاحیان به آن منابع رجوع کردند. آقای نصیری منابعی دارند که هم پژوهشی بوده و هم حاصل نظر معلمان که مورد بررسی قرار می‌گیرد و در برنامه لحاظ می‌شود ما هم از سوی شاگردان و هم از سوی معلم‌ها و هم از سوی پژوهشگرها اسنادی داریم که آن اسناد برای تدوین برنامه جدید و تولید جدید برای آن برنامه به کار می‌رود، نه این که بخواهیم روی کتاب‌های فعلی‌مان دستکاری بکنیم.

دستکاری روی کتاب‌های فعلی را زیاد مناسب و شایسته فعالیت‌های آموزشی نمی‌بینیم و امیدواریم آن برنامه جدید بیاید در عرصه آموزشی و کتاب‌های جدیدش را تولید بکند.

ناصری: به عنوان مثال، ما برای برنامه جدید تعلیمات اجتماعی که کتاب‌هایش تولید شده، دو پژوهش ملی داشتیم که یکی کار پژوهشکده تعلیم و تربیت و دیگری پژوهش خود دفتر برنامه‌ریزی بود و حاصل جمع‌بندی نظرها و پیشنهادهای دبیران در طول سال‌های گذشته. این‌ها همه پایه اطلاعاتی ما شد برای این که بگوییم چه نیازهایی داریم و چه تغییراتی اتفاق افتاده که به آن توجه نکرده‌ایم تا در حرکت آتی‌مان در نظر گرفته شود.

هجری: خیلی متشکر. بخش دوم برنامه را که پرسش و پاسخ است، شروع می‌کنیم تا نکته‌هایی که احتمالاً مطرح نشده، در این بخش شکافته شود.

نوری: در این شیوه جدید آموزشی، آیا برای کتاب‌های غیردرسی هم جایگاهی در نظر گرفته شده؟ می‌دانید که آموزش مخصوصاً در زمینه علوم اجتماعی، به تجربه نیازمند است. در سیستم غلط گذشته، همواره بچه‌ها می‌خواندند، سرکلاس آموزش می‌بینند و اگر معلم‌شان معلم خوبی باشد، برای بچه‌ها انواع مثال‌ها را می‌آورد و بعد موقع امتحان حفظ می‌کنند و می‌روند امتحان می‌دهند. در حالی که کتاب غیردرسی، به ویژه ادبیات این ویژگی را دارد که بچه را در موقعیت و فضای خاصی قرار می‌دهد و این موقعیت و فضا و این تجربه در وجودش نهادینه می‌شود.

فلاحیان: سؤال خوبی است. دقیقاً همین‌طور است که می‌گویید. رویکرد جدیدی که در برنامه مطالعات اجتماعی اتخاذ خواهیم کرد، رویکرد کاوشگری است و این که دانش‌آموز هم در تولید محتوا نقش داشته باشد و به این صورت نباشد که ما بخواهیم همه محتوایی را که تولید کرده‌ایم، به دانش‌آموزان انتقال بدهیم.

دانش‌آموز هم باید بررسی و تحقیق بکند و یک فرد جست‌وجوگر باشد و محقق بار بیاید. در این‌جا قطعاً لازم است که ما کتاب‌های کمک آموزشی یا کتاب‌های مختلفی در کنار کتاب درسی داشته باشیم. هم‌چنین، لازم است از سی‌دی، فیلم و سایر ابزار و لوازم هم استفاده کنیم. البته ما واقعاً در زمینه کتاب‌هایی که در کنار کتاب درسی، به آموزش مطالعات اجتماعی کمک کنند، بسیار کمبود داریم. یکی از مشکلات فعلی ما همین است. در حال حاضر، بعضی وقت‌ها تحقیق‌هایی به بچه‌ها داده می‌شود، اما ما که می‌خواهیم روحیه کاوشگری را در بچه‌ها تقویت کنیم، نباید خانواده‌ها را به زحمت بیندازیم برای تحقیق کردن بچه‌ها. مدرسه باید اول کتابخانه‌اش را مجهز بکند. اولین گام در راه تحقیق و کاوشگری بچه‌ها، تجهیز کتابخانه مدارس است که بچه‌ها بتوانند از

راهنمایی، مطالعات از سوی معلم‌ها یا پژوهشگران انجام می‌گیرد و ما وضع موجودمان را می‌دانیم که چه قدر مفید است و چه قدر مفید نیست. همه این اسناد هم وجود دارد. حتی یک گردهمایی هم در تنکابن، بین معلمان دروس مختلف برگزار شد که در بخش علوم اجتماعی و در دوره ابتدایی و راهنمایی، اطلاعات فراوانی جمع‌آوری شد. اساساً دفتر به دنبال تغییر برنامه است و عجلتاً نمی‌خواهیم وضع موجود را اصلاح کنیم. برنامه جدید یک بار نوشته و کتابش اجرای آزمایشی هم شده، ولی به دلایلی باید اصلاحات و تغییرات دیگری پیدا بکند که الان در مرحله تدوین برنامه جدید هستیم.

با توضیحاتی که خانم فلاحیان دادند، امیدوارم برنامه جدید هم برای دوره ابتدایی و هم دوره راهنمایی آماده شود که براساس آن برنامه جدید، ما به سوی تولید جدید برویم. تا این اتفاق نیفتد، وضع کنونی را زیاد دست کاری نخواهیم کرد. در واقع صلاح نیست که بخواهیم صفحات و متن کتاب‌ها را عوض کنیم. باید برنامه از لحاظ رویکرد و مدل و نظام کاری و ساختاری، کلاً تغییر کند که ان‌شاءالله در آینده خواهد کرد.

هجری: آیا شما جامعه آماری به‌خصوصی را در بین دانش‌آموزان مد نظر

کتابخانه مدارس استفاده کنند. بچه‌ها وقتی به کتابخانه مراجعه می‌کنند، متأسفانه می‌بینند تعداد کتاب‌ها و نشریاتی که بتواند پاسخگوی موضوعات مورد نیاز آن‌ها باشد، مخصوصاً در زمینه علوم اجتماعی، کم است. الان خوشبختانه انتشارات مدرسه، مثلاً در زمینه بیوگرافی شخصیت‌ها، کتاب‌های خوبی تولید کرده و شخصیت‌های تاریخی را معرفی کرده است. اما در زمینه جغرافیا، بچه‌های ما کدام کشورها را می‌توانند از طریق کتاب‌های کمک آموزشی بشناسند؟ در مورد فرهنگ، شیوه‌های زندگی و وضعیت جغرافیایی و سایر موارد کشورهای همسایه، چند کتاب به زبان کودک یا به زبان نوجوان وجود دارد؟ در زمینه مسائل اجتماعی، خوشبختانه حرکت‌هایی شده. ما کتاب‌هایی داریم راجع به مقررات راهنمایی رانندگی، ولی این‌ها تعدادش کم است و کیفیت نمی‌کند.

می‌خواهم بگویم ما حتماً در برنامه جدید، به کتاب‌های زیادی در زمینه موضوعات اجتماعی متناسب با مخاطبان جوان نیاز داریم. در برنامه فعلی هم نیاز داشتیم و من می‌خواهم همین‌جا خواهش بکنم که علاوه بر انتشارات مدرسه، سایر ناشران هم به فکر این باشند که نیازهای آموزشی و اجتماعی کودکان و نوجوانان امروز را دریابند و بر آن اساس کتاب‌ها را انتشار دهند.

ما در گروه خودمان، واقعاً حاضریم بگویم که نیازهای ما چیست و لیست‌هایی در اختیار ناشران قرار بدهیم. می‌توانیم راهنمای برنامه‌مان را در اختیارشان قرار بدهیم که این‌ها کتاب‌های کمک‌آموزشی را به طور متنوع و گسترده تولید بکنند. ما از نویسندگان خوب کودک‌مان، در تألیف کتاب‌های درسی (بعد از تدوین راهنمای برنامه) حتماً استفاده خواهیم کرد.

نصیری: آقای نوری به نکته‌ای اشاره کردند که ایجاب می‌کند توضیحاتی بیان شود. یکی این که ما از شما طلب می‌کنیم که کتاب‌های درسی ما را دوباره بخوانید. همه کتاب‌های فعلی درسی (هشت عنوان دوره ابتدایی و چهارده عنوان دوره راهنمایی) اساساً با رویکرد حل مسئله‌ای و فرآیند محوری، وارد برنامه آموزشی شده‌اند. این نیست که بچه‌ها مطلبی را بخوانند و حفظ کنند و بروند جلو. دیگر نمی‌توانند این کار را بکنند. ممکن است در مدارس و در حوزه اجراء، معلم مشکل‌هایی داشته باشد، اما کتاب کتابی نیست که بتواند حفظش

کنند و بیایند جواب بدهند. این کتاب به نحوی سازمان‌دهی شده که بچه‌ها باید این روند را طی کنند. آن‌ها باید به گفت‌وگو بپردازند، با هم بحث و با هم تولید کنند، با هم نقدی را شکل بدهند و نتایج آن به تولید دانش یا محتوایی منجر شود که در این کتاب‌ها مدنظر بوده است. ما بین حوزه دانش و حوزه مهارت‌های یادگیری، ترکیبی به وجود آوردیم که بچه‌ها ضمن این که به حوزه‌های دانشی دست پیدا می‌کنند، به یک سری مهارت‌های شهروندی هم دست یابند. الان همه برنامه‌های دوره ابتدایی و راهنمایی این‌گونه است. البته در دوره ابتدایی، پیشرفت بهتری داشتیم. به دلیل آموزش‌هایی که معلم‌ها دیده‌اند و کارکردهای بهتری که داشتند. در سال‌های آینده تغییر برنامه‌های دوره راهنمایی، شتاب و گستردگی بیشتری پیدا خواهد کرد.

بحث دیگر این که در نظام ارزش‌یابی تغییراتی به وجود آمده است که از آن می‌توان به تغییر نظام آموزشی از مسیر نظام ارزش‌یابی یاد کرد. الان نظام ارزش‌یابی دوره عمومی ما دیگر مثل گذشته نیست که بچه‌ها یک نمره کتبی بگیرند و در کارنامه‌ها درج شود. بچه‌ها الان بیست نمره‌شان ارزشیابی مستمر و بیست نمره‌شان ارزشیابی پایانی است. این تقسیم‌بندی در روش هم متفاوت

است. مثلاً در درسی مثل علوم، پنج نمره مربوط به فعالیت‌های عملکردی است. در درسی مثل حرفه‌وفن، دوازده نمره به فعالیت‌های عملی اختصاص دارد و در عربی پنج نمره شفاهی. ضمن این که بیست نمره ارزش‌یابی مستمر است. مستمر هم مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که معلم تعریف می‌کند. مقتضیات و امکانات مدرسه چیست؟ امکانات محیط زندگی بچه‌ها چیست؟ از این بیست نمره، پنج نمره باید برای فعالیت‌های خارج از کلاس گذاشته شود. این نشان می‌دهد که ماهیاً در فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، رویکرد جدیدی حاکم شده است.

روح حاکم بر برنامه آموزش عمومی، غیر از آن چیزی است که در برنامه گذشته وجود داشت. البته هنوز موانع زیادی وجود دارد. برای رسیدن به کیفیت مطلوب، راه زیادی در پیش داریم. با وجود این، کارهای خوبی انجام شده است و الان وضعیت خوبی داریم.

فروهر: خسته نباشید. گفتید که روند تولید یک کتاب، به جایی می‌رسد که تأیید می‌شود و به صورت آزمایشی هم در کلاس‌های مختلف می‌رود و بعد توسط

نصیری:

ما بین حوزه دانش و حوزه مهارت‌های یادگیری،

ترکیبی به وجود آوردیم که بچه‌ها ضمن این که

به حوزه‌های دانشی دست پیدا می‌کنند،

به یک سری مهارت‌های شهروندی هم دست یابند.

الان همه برنامه‌های دوره ابتدایی و راهنمایی این‌گونه است.

البته در دوره ابتدایی، پیشرفت بهتری داشتیم.

به دلیل آموزش‌هایی که معلم‌ها دیده‌اند و

کارکردهای بهتری که داشتند. در سال‌های آینده

تغییر برنامه‌های دوره راهنمایی، شتاب و

گستردگی بیشتری پیدا خواهد کرد

همه بچه‌ها در سراسر ایران استفاده می‌شود و یک مهر پنج ساله می‌خورد. با توجه به تغییراتی که در جامعه داریم و شتاب این تغییرات و با توجه به تکنولوژی موجود، آیا این پنج سال به نظر شما زیاد نیست؟ در مدتی که شما این مسئولیت را داشته‌اید، به جز مسئله انقلاب، موردی بوده که این مهر پنج ساله شکسته شود؟

نصیری: ما از تجارب داخلی و خارجی استفاده می‌کنیم. در خیلی از کشورهای توسعه یافته، کتاب برای چند بار مصرف چاپ می‌شود و در انتهای کتاب، جایی برای ثبت اسامی ده نفر، به عنوان مصرف‌کننده کتاب پیش‌بینی شده است. برای مثال در آلمان و استرالیا، چنین رویه‌ای رایج است.

فروهر: در مورد دروسی مثل ریاضی، چنین چیزی ممکن است، ولی من علوم اجتماعی را عرض می‌کنم.

نصیری: یک بحث این است که آیا اصلاً ما می‌توانیم در روند تغییر، زودتر از ده سال و پنج سال کتاب‌های‌مان را عوض کنیم؟ در واقع آیا تغییر کتاب، اصلاً شدنی است؟ در یک گستره جغرافیایی وسیع مثل ایران، واقعیت این است که در عمل نشدنی است. یعنی ممکن است ما در دفتر برنامه‌ریزی، توان این را داشته باشیم که برنامه را هر سه سال تغییر بدهیم و فرصتاً کتاب هم برایش تألیف کنیم،

اما این که کتاب وارد عرصه اجرا شود، به دست معلم برسد و معلم بتواند آن را آموزش بدهد و این کتاب جا نیفتد، بحث دیگری است. کتاب علوم‌مان اولین کتابی است که در دوره جدید ده ساله تغییر کرده با رویکردهای جدید. بعد از ده سال، هنوز به راحتی نمی‌توانیم بگوییم که این برنامه کاملاً مستقر شده است؛ یعنی همه معلمان کشور به خوبی این کتاب را در کرده‌اند و به خوبی آموزش می‌دهند. عناصر دیگری در برنامه درسی و اشاعه آن وجود دارد که مانع این می‌شود که ما خیلی زود بتوانیم برنامه‌های‌مان را تغییر بدهیم. البته اگر پشتیبانی از جهات متفاوتی انجام می‌گرفت از جهت اقتصادی و ارتقای معلمان، این شدنی بود که بتوانیم زودتر از این هم به تغییر برنامه برسیم.

در هر صورت، تجارب کشورهای دیگر و تجارب خودمان در برنامه‌ریزی درسی، نشان می‌دهد که اساساً این گونه مدل‌هایی که ما بگوییم کتاب درسی بشود عامل آموزش، مشکل جدی است. این که بگوییم کتاب درسی تنها وسیله آموزش است، یک مشکل جدی است. اگر این رویکرد عوض شود و بگوییم که



بدهیم که واقعاً یاد بگیرند. اصلاً انگیزه یاد گرفتن را بتوانیم به بچه القا کنیم که چرا باید این‌ها را یاد بگیرد. اگر ممکن باشد، در مورد کتاب‌های تعلیمات اجتماعی در کشورهای پیشرفته، یک مقدار به ما توضیح بدهید که واقعاً آن‌ها به بچه‌های‌شان چه یاد می‌دهند و ما چه یاد می‌دهیم، ممنون می‌شوم.

یک پیشنهاد هم دارم. واقعیت این است که هیچ‌کدام از ما که در این نظام آموزشی بار آمده‌ایم، به درستی از حقوق شهروندی‌مان آگاه نیستیم و نمی‌دانیم که مسئولیت‌مان به عنوان یک شهروند، در برابر اجتماعی که در آن هستیم، چیست. اگر بتوانیم در این درس‌ها به بچه آموزش بدهیم که اصولاً به عنوان یک فرد در اجتماع، حقوقش چیست و چه مسئولیت‌هایی دارد، گمان می‌کنم خیلی مؤثر باشد.

فلاحیان: تشکر می‌کنم از سؤال شما و پیشنهاد خوب‌تان. یکی از بحث‌هایی که ما باید به عنوان یک بحث محوری در این برنامه جدید مطالعات اجتماعی به آن توجه کنیم، برنامه حقوق و وظایف شهروندی است. البته به نظر من، ما تاکنون بیشتر روی مسئولیت‌ها و وظایف دانش‌آموزان متمرکز شده‌ایم، ولی از حق و حقوق بچه‌ها کم‌تر گفته‌ایم یا اصلاً نگفته‌ایم. بنابراین، یکی از برنامه‌هایی که باید روی آن تکیه کنیم و جزو یکی از راهبردهای موضوعی و مفاهیم کلیدی ماست، وظایف شهروندی است.

در ارتباط با کتاب‌های درسی سایر کشورها، باید بگوییم که در کتابخانه دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، کتاب‌های درسی سایر کشورها موجود است. من با مطالعه برخی از این کتاب‌ها، می‌توانم به شما بگویم که وضع کتاب‌های درسی ما و مطالبی که در آن گنجانده شده، از همسایگان‌مان بهتر است. از خیلی از کشورهای خاورمیانه وضعیت ما بهتر است. در برخی از کشورها مثلاً در فیلیپین، من در مدارس دیدم که بچه‌ها موظف هستند کتاب را حفظ کنند و سال بعد به کس دیگری بدهند. اگر آن کتاب را از بین می‌بردند، آن خانواده باید هزینه زیادی پرداخت می‌کرد.

کتاب‌های آن‌ها را ورق زدم و دیدم با این که مطالب نو و جدید بود، ولی از لحاظ عکس، گرافیک و تصویرسازی و شاد بودن کتاب، بسیار ضعیف بود و اصلاً قابل مقایسه با ما نبود. در کل

کتاب فقط دو یا سه عکس رنگی وجود داشت و بقیه عکس‌ها سیاه و سفید بودند. کیفیت صفحه‌آرایی بسیار بد بود. ما در کتابخانه، دفتر، کتاب‌های کشورهای عربی را داریم؛ منهای کشور امارات که از لحاظ کیفیت نوع کاغذ و چاپ، خیلی مرغوب است، سایر کشورهای عربی از لحاظ طراحی و سازمان‌دهی متن و صفحه‌آرایی و تصاویر و جذابیت، کتاب‌های بسیار خشک و بی‌روحی دارند. در مجموع، وضع کتاب‌های درسی ما از بسیاری از کشورهای در حال توسعه و همسایه‌ها مان و خاورمیانه بهتر است. در عین حال، وضع‌مان از کشورهای توسعه یافته بدتر است. در مورد کتاب‌های کشورهای توسعه یافته مثل انگلستان، ژاپن و استرالیا اولاً که گروه عظیمی پشت تولید و طراحی و نشر این کتاب‌ها هستند. برای این که این کتاب‌ها را بخش خصوصی تولید می‌کند، نه دولت. بعد معلم در مدرسه می‌گوید بروید فلان کتاب را بخرید. البته در بعضی مدارس، بچه‌ها کتاب می‌خرند و در بعضی از مدارس هم از کتاب‌های کتابخانه استفاده می‌کنند. کتاب‌ها هم خیلی گران و کیفیت عکس‌ها و چاپ این کتاب‌ها بسیار بالاست و صفحه‌آرایی‌شان بی‌نظیر است. فعالیت‌های بسیار جالبی هم برای دانش‌آموزان طراحی شده که نشانگر هوشمندی و خلاقیت طراحان است. نه این که ما بتوانیم این کار را

به طرق دیگر هم می‌شود آموزش را شکل داد و آن را در برنامه‌های‌مان قرار بدهیم که یکی از بنیادهایش ارتقای معلم است؛ یعنی به میزانی که معلم‌های کشور ارتقا پیدا کنند و به مهارت‌های جدید دست یابند و مسلط شوند به بحث برنامه‌ریزی و آموزش، به همان اندازه ما می‌توانیم به گونه‌ای وارد برنامه‌های درسی شویم که کتاب درسی، تنها وسیله آموزش نباشد، بلکه ما برنامه را محور قرار بدهیم و ناشران بخش خصوصی و حتی معلم‌ها کتاب تولید کنند.

معلم می‌تواند انتخاب کند. او می‌تواند برود در فضای نشر و کتاب‌هایی را که به نظرش پاسخگوی نیازهای او در محل و مقتضیات محلی و استانی‌اش هستند، انتخاب کند و کار آموزش را انجام بدهد. به هر صورت، بدون تغییر این رویکردها و فرآیندها نشدنی است. اما این که آیا کتابی بوده که مهرش را بشکنیم، بله، از این اتفاقات زیاد داشتیم. نیاز به این دیدیم که مهر کتاب را بشکنیم و با توجه به نیازهایی که وجود دارد، تغییراتی در آن بدهیم.

جلوه‌نژاد: تا جایی که من یادم می‌آید، همیشه در نظام آموزشی ما تأکید بر محفوظات بوده و امروز هم کتاب بچه‌ها را که می‌بینیم، همین طور است.

کاش ما بتوانیم این مطالبی را که می‌خواهیم به بچه‌ها یاد بدهیم، جوری یاد

بکنیم. کافی است ایده‌هایی بگیریم و آن‌ها را خیلی خوب پیروانیم. من مطمئنم اگر نویسندگان خوش ذوقی که برای کودکان قلم می‌زنند، راهنمای برنامه را به خوبی بخوانند و در زمینه اهداف برنامه به خوبی توجیه شوند، می‌توانند با ایده‌هایی که از این کتاب‌ها می‌گیرند، خیلی بهتر از این‌ها را تولید بکنند. برای مثال، در یکی از فعالیت‌های کتاب درسی مطالعات اجتماعی در استرالیا، در ارتباط با بومیان استرالیا سندی در آن کتاب درج شده است. به این معنا که یک انگلیسی‌استعمارگر وقتی وارد استرالیا می‌شود، برای بومی‌ها سخنرانی می‌کند و می‌گوید شما باید ملکه انگلیس را دوست داشته باشید و به انگلیسی‌ها احترام بگذارید. کلاً چیزهایی را در سخنرانی‌اش به آن‌ها تحمیل می‌کند. در این فعالیت، به دانش‌آموزان گفته شده که شما فرض کنید به جای آن بومی استرالیایی هستید که به سخنرانی آن افسر انگلیسی گوش می‌دهید. حال شما به جای آن بومی، به آن افسر انگلیسی چه پاسخی می‌دهید؟ یا مثلاً در مورد تاریخ خط هیروگلیف یا مثلاً خط رومی و اعداد رومی را مطرح کرده و سبب‌هایش را گذاشته و بعد از دانش‌آموزان خواسته است تا جمله‌ای به زبان خودشان با این خط بنویسند. یا در فعالیت دیگری در زمینه درس مدنی و شهروندی، به بچه‌ها گفته شده است که فلان شهردار یا مقام مسئول کشور قرار است فردا از منطقه زندگی شما بازدید کند. شما یک برنامه بازدید برای او بنویسید و بگویید از کجاها بازدید کند و با چه کسانی و چرا ملاقات کند؟ می‌بینید که جنبه‌های کاربردی و خلاقیت در یک فعالیت خیلی زیاد است. تقسیم‌بندی هم شده. یک بخش تحقیق دارند. در یک بخش اسناد را باید با هم مقایسه کنند. اسناد را هم مؤلفان در کتاب درج کرده‌اند. نه این که دانش‌آموز برود بگردد و پدر و مادر و فامیل را به زحمت بیندازد. در انتهای بعضی از کتاب‌ها سی‌دی وجود دارد که حالت **work book** یا کتاب کار دارد و بچه‌ها می‌توانند این فعالیت‌ها را انجام بدهند. البته انجام این نوع کارها احتیاج به بسیج و عزم همگانی دارد. من مطمئنم همان‌طور که ایرانی‌ها استعدادشان را در خیلی زمینه‌ها نشان داده‌اند، در این زمینه هم اگر حرکت بکنند، ما هم ان‌شاءالله می‌توانیم کتاب‌های درسی مطلوبی داشته باشیم.

ناصری: در برنامه‌تعلیمات اجتماعی، برای

این که برنامه جدید را بنویسیم، برنامه درسی چند کشور را بررسی کردیم مثل ژاپن، کانادا، آمریکا و استرالیا و البته یک نگاه تطبیقی داشتیم. البته با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، بضاعت‌های اقتصادی‌مان و نوع نظام ارزشیابی و نوع نظام تربیت معلم‌مان و نوع نظام پاداش دهی‌مان و بسیاری از مسائل دیگر، مثل نوع نظام برنامه‌ریزی درسی‌مان. تجارب دیگران را دیده‌ایم که برنامه‌های درسی غیرمتمرکز دارند، اما برای این که کار انجام شود، به زیرساخت‌هایی نیاز داریم که تا این تحول اتفاق نیفتد، کار پیش نمی‌رود.

من می‌خواستم در برنامه درسی جامعه‌شناسی، حدود هفت - هشت سال پیش از نیروهایی که غیر از مرکز وجود داشت، استفاده کنم. وقتی از چند تن از معلم‌ها دعوت کردم که تشریف بیاورید و در جلسات ما شرکت کنید، چند جلسه آمدند، ولی وقتی دیدند واقعاً صرفه اقتصادی ندارد، این همکاری را ادامه ندادند.

ما یک موقعی به صورت شعاری می‌خواهیم ایده‌آل‌ها را مطرح کنیم، ولی یک موقع با توجه به مسائل و مشکلات‌مان می‌خواهیم بهترین راه‌حل را انتخاب کنیم. ما کم‌کم به حوزه برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز نزدیک شده‌ایم و تجاربی کسب کرده‌ایم. هر سال بعضی از مواد درسی را سازمان برای این کار معرفی

می‌کند. شما می‌بینید که به دلیل مشکلاتی که در زمینه تولید کتاب‌های کمک درسی و کمک آموزشی داریم، چه مصیبت‌هایی می‌کشیم.

مدیریتی که بخواهد هزینه صرف این بکند که به معنای واقعی کتاب کمک آموزشی تولید کند، وجود ندارد. برای کتاب جامعه‌شناسی ۲ پایه سوم، فراخوان عمومی دادیم که ببینید به ما کمک کنید. از مؤلفان غیر سازمانی خواستیم مشارکت کنند، اما فقط چهار ناشر شرکت کردند. وقتی ما مشکلات کار را توضیح دادیم و گفتیم که برنامه را می‌دهیم و نظارت تام و تمام داریم که کتاب تولید شده مطابق این برنامه تولید شود و به مسائل اقتصادی‌اش پرداختیم که البته خیلی مهم بود، از این چهار ناشر، دو ناشر در جلسه دوم شرکت نکردند. آن دو ناشر هم طرحی دادند که اصلاً قابل اجرا نبود و دیگری هم می‌خواست به صورت غیرمستقیم از خود ما استفاده کند. به هر حال، این مشکلات وجود دارد و ما ناچاریم با احتیاط برخورد کنیم.

نصیری: به هر صورت، خودتان با خط قرمزها آشنا هستید. ما در بحث کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزی، سه رویکرد داریم: رویکردی که از برون به درون

فلاحیان:

نه فقط برنامه درسی مطالعات اجتماعی یا تربیت شهروندی، بلکه هر برنامه درسی یک مرحله ارزشیابی دارد که در آن مرحله ارزشیابی از برنامه، باید دید چه قدر از اهداف برنامه محقق شده است؟ این ارزشیابی در پایان برنامه انجام نمی‌شود، بلکه در حین این که این ارزشیابی انجام می‌گیرد، باید به اصلاح برنامه پرداخت تا بازخوردی هم به خود برنامه داشته باشد

می‌آید رویکردی که از درون به بیرون می‌رود و رویکردی که این‌ها را تلفیق می‌کند. ما در وضع موجود، در وضعیتی نیستیم که از برون به درون ببینیم؛ یعنی نظامی نیستیم که بگوییم ما آموزش و پرورش برای پاسخگویی به جامعه بیرونی هستیم. بحث‌هایی در درون هست و به گونه‌ای برنامه و اهداف ما را ترسیم می‌کنند که بتوانیم برنامه‌ای به بیرون ارائه بدهیم. برای رسیدن به رویکرد دیگر، خیلی چیزها باید اتفاق بیفتد و خیلی کارها باید بشود. شما و خیلی‌ها شریک هستید که این کار را انجام بدهند، ولی ما خیلی کارها را شروع کرده‌ایم. در ادامه سؤال خانم فرور، ما الان در کتاب‌های فارسی یک درس به اسم درس آزاد داریم؛ درس آزاد یعنی هم شاگرد باید تولید کند و هم معلم. خیلی هم کارهای خوبی کرده‌اند، ولی در عرصه کل کشور، هنوز خیلی راه داریم تا به چنین دیدگاهی برسیم.

اربابی: درباره شهروند مطلوب صحبت شد. می‌خواهم ببینم بعد از این که بچه‌ها از دبستان تا دبیرستان علوم اجتماعی می‌خوانند، آیا پژوهشی صورت می‌گیرد که ببینیم از این آموزش‌ها به هدف‌مان رسیده‌ایم؟ شاید اصلاً وظیفه آموزش و پرورش نیست که این کار را بکند؟

یکی از حاضران: خانم دکتر فلاحیان، چون شما گفتید یکی از هدف‌های علوم اجتماعی این است که شهروند مطلوب تربیت بکند (البته من فکر می‌کنم ما تعاریف دقیق یا یک‌سانی از برخی مفاهیم و اصطلاح‌هایی که این جا مطرح می‌شود، شاید در ذهن نداشته باشیم؛ مثل گسترش حوزه علوم اجتماعی یا آموزش عمومی یا همین بحث شهروند مطلوب). می‌خواستم ببینم که ما شهروند مطلوب را می‌خواهیم برای چگونه جامعه‌ای تربیت کنیم؟ آیا این شهروند مطلوب، سازگاری و کارایی مطلوبی هم در تعامل با جوامع دیگر دارد یا این که نگاه‌مان بسته است؟

خوشبخت: سؤال من این است که تا چه حد این برنامه‌هایی که ارائه داده‌اید و پی‌گیری می‌کنید، توانسته برای پیشبرد مخاطبان ما یعنی کودک و نوجوان، برای تبدیل شدن به شهروند مطلوب جوابگو باشد؟ آیا یک پژوهش میدانی و آماری هم دارید؟ دوم این که آیا شورای برنامه‌ریزی، با سایر نهادهای مربوطه همکاری دارد یا نه؟ دیگر این که آن دوره ده یا پنج ساله‌ای که گفتید دقیقاً در تضاد با صحبت خانم دکتر فلاحیان است که باید برنامه‌ها به روز شود.

فلاحیان: در مورد سؤالی که درباره ارزشیابی بود، باید بگویم نه فقط برنامه درسی مطالعات اجتماعی یا تربیت شهروندی، بلکه هر برنامه درسی یک مرحله ارزشیابی دارد که در آن مرحله ارزشیابی از برنامه، باید دید چه قدر از اهداف برنامه محقق شده است؟ این ارزشیابی در پایان برنامه انجام نمی‌شود، بلکه در حین این که این ارزشیابی انجام می‌گیرد، باید به اصلاح برنامه پرداخت تا بازخوردی هم به



معلمان مجرب درباره اشکالات محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی که در افت تحصیلی مؤثر بوده و توسط مؤسسه پژوهشی خود سازمان پژوهش انجام گرفته. به هر حال، تعداد این‌ها بسیار کم است.

در مورد ویژگی‌های شهروند مطلوب، خانم طلعت‌دبیا یک پژوهش انجام داده‌اند به نام «بررسی ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه ایران و میزان انطباق آن با برنامه‌های درسی» ناظر این پژوهش، آقای دکتر کوروش فتاحی و اجارگاه، استاد تعلیم و تربیت است.

در پایان این پژوهش، نتیجه‌ای که گرفتند نه در ارتباط با مطالعات اجتماعی، بلکه کل برنامه‌های درسی، این بوده که میزان توجه به تربیت شهروندی در کتاب‌های درسی، در سطح چندان مطلوبی قرار ندارد و در ایران، عمدتاً تأکید بر افزایش آگاهی و شناخت شهروندان است تا افزایش توانایی‌ها و ارتقای نگرش‌ها. تاریخ انجام پژوهش، سال ۱۳۸۱ است. این تحقیقی که انجام گرفته، معتقد است که بیشتر برنامه‌های درسی، به جنبه‌های شناختی توجه دارد تا جنبه‌های عملی و مهارت‌های اجتماعی. البته در مورد برنامه‌ای که داریم طراحی می‌کنیم، وقتی به اتمام برسد و به مرحله اجرا دربیاید، حتماً باید پژوهشی برای آن تعریف شود که بعداً ببینیم بازخورد این برنامه جدید در تربیت مهارت‌های شهروندی به چه صورت است.

در مورد قسمت دیگر سؤال، باید بگویم اصلاً تعداد پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، خیلی کم است. برای همین هم هست که یک مقدار نیازسنجی با مشکل مواجه شده. البته در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، چند نیازسنجی خیلی گسترده برای دوره ابتدایی و راهنمایی و آموزش عمومی و دوره دبیرستان انجام گرفته است و برای تمام نهادهای و مؤسساتی که در کشور هستند، پرسش‌نامه‌هایی ارسال شده. برای مثال به اداره راهنمایی و رانندگی، پست و تلگراف و راه آهن و... هم‌چنین برای معلمان و متخصصان موضوعی و از آن‌ها خواسته شده تا دانش‌ها و مهارت‌هایی را که شهروندان لازم است کسب کنند، مشخص سازند. این پژوهش‌ها تا حدی می‌تواند آن ویژگی‌ها را مشخص کند؛ البته نه کارایی‌های وضع موجود، بلکه ویژگی‌ها را برای برنامه‌ریزی آینده. در مورد بحث ده سال هم باید بگویم که اصولاً رسیدن به تعادل، یکی از چالش‌های بشر در هر زمینه است. از یک سو باید فرصت لازم را برای جا افتادن و ثبات یک کتاب درسی فراهم کرد و از سوی دیگر باید به فکر تغییر و به هنگام کردن آن بود. در این جا باید تعادل ایجاد شود. رسیدن به این تعادل در جاهای دیگر نیز صلق می‌کند.

نصیری: ما اساساً سه مفهوم داریم: برنامه قصد شده، برنامه اجرا شده و برنامه کسب شده. این‌ها همیشه با هم متفاوت هستند. ما یک برنامه می‌نویسیم و از آن کتاب تولید می‌کنیم، ولی وقتی اجرا می‌شود، عواملی دیگری دخالت دارند و نتایجی که به دست می‌آید، ممکن است متفاوت باشد. ما پژوهش‌هایی داریم در همین زمینه که نتایج آن برای بهبود برنامه ارائه می‌شود.

در مورد سؤالی که این خانم داشتند که آیا در انتهای کار، مطالعاتی شده که ببینیم نتایجش چه بوده، باید بگویم که ما چنین مطالعاتی تاکنون نداشته‌ایم. البته از داده‌های پژوهش‌هایی که به صورت ملی در کشور انجام شده، مثل نگرش‌های ایرانیان و امثالهم که برای ما هم ارسال می‌شود، در برنامه‌ها استفاده می‌کنیم. در واقع، مجموعه‌ای از اطلاعات پژوهش‌های ملی برای ما ارسال می‌شود که ما از آن‌ها برای برنامه‌های خودمان استفاده می‌کنیم و خیلی هم مورد توجه کارشناسان ما قرار گرفته است.

خود برنامه داشته باشد. اما اگر منظور شما برنامه‌های موجود در ارتباط با تربیت شهروندی است، باید بگویم همان طور که کتاب‌های کمک آموزشی در زمینه مطالعات اجتماعی و برنامه تعلیمات اجتماعی کم هستند، تعداد پژوهش‌هایی هم که در مورد درس علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی و اثرات و بازخوردهای آن‌ها انجام گرفته، خیلی کم است. آن مظلومیتی که شما گفتید، در جریان بحث هرچه جلوتر می‌رویم، مشخص‌تر می‌شود؛ چون واقعاً در مقام مقایسه، تعداد پژوهش‌هایی که روی درس ادبیات، زبان، ریاضی و علوم و غیره انجام گرفته، خیلی زیاد است. برای مثال، وقتی به دانشگاه تربیت معلم و مراکز مختلفی که پژوهش انجام می‌دهند، مراجعه کردیم، فقط دو - سه پژوهش که بعضی از آن‌ها هم منحصر به مطالعات اجتماعی نبود، وجود داشت. مثلاً آقای دکتر محمد جعفر جوادی، پژوهشی راجع به بررسی نظریات اولیای دانش‌آموزان و معلمان دوره ابتدایی، درباره کتاب‌های درسی این دوره انجام داده‌اند که در مورد همه کتاب‌های درسی بود و یک بخشی هم اختصاص به کتاب‌های تعلیمات اجتماعی داشت. مثلاً «تحلیل محتوای درس بخشی مدنی»، فقط درس مدنی سال چهارم و پنجم را شامل می‌شود، نه کل کتاب تعلیمات اجتماعی را. هم‌چنین، بررسی نظریات

اما در بحث شهروند مطلوب، به طور کلی مناسبات فردی، جمعی، ملی و جهانی مطرح است و ما این چهار جنبه را در برنامه‌ها لحاظ می‌کنیم. بحث‌هایی مثل تربیت شهروند یا تربیت دینی و امثالهم مختص یک درس نیست. تربیت شهروند، هدفی با رویکرد خاص علوم اجتماعی نیست. درست است که این برنامه حامل اصلی این رویکرد و هدف خواهد بود، ولی همه برنامه‌های درسی ما به نحوی این هدف را در برنامه در نظر می‌گیرند. تربیت دینی چیزی نیست که فقط کتاب‌های هدیه‌های آسمان دنبال بکنند. حتی کتاب فارسی هم به نحوی آن را دنبال می‌کند. بحث شهروندی در خیلی از برنامه‌ها بوده و به خوبی هم روی آن کار شده.

منابعی که ما الان در بخش آموزش داریم، یعنی کتاب‌های بخوانیم بنویسیم یا کتاب‌های علوم تجربی و ریاضیات و کتاب‌های دیگر، هر کدام به مهارت‌هایی می‌پردازند. ما یک بحث حوزه دانش داریم و یک بحث فرآیندها. حوزه دانش، به ریاضی و علوم و غیره مربوط می‌شود، اما فرآیندها یعنی حل مسئله، مشارکت، یا دیگری از طریق همیاری که این‌ها کلاً در برنامه‌های درسی مورد توجه قرار گرفته. عرصه، عرصه نو و جدیدی است و به همین علت، در مورد شهروندی خیلی حرف زده شده است. اگر از همه کتاب‌ها استخراج کنیم، مجموعه قابل توجهی می‌شود.

در مورد ارتباط ما با نهادهای دیگر، باید بگوییم که ما شاید تنها سازمانی در این کشور باشیم که اگر هم ما با آن نهادها کار نداشته باشیم، همه نهادها با ما کار دارند. حداقل این است که نامه می‌نویسند و می‌گویند اسم ما را هم در کتاب‌تان بیاورید. بنابراین، ما با همه نهادها ارتباط و حتی شوراهای مشترک داریم و خیلی از آن‌ها به ما کمک می‌کنند. ما توقعات و خواسته‌هایشان را می‌شنویم و شورا روی این خواسته‌ها کارشناسی می‌کند تا بتواند پاسخگوی نیازهای نهادهای مختلف و جامعه باشد.

مقدم: پیشنهاد می‌کنم از خود مخاطبان، در ضمن اجرای برنامه استفاده شود؛ به لحاظ زبان و لحن. نکته دیگر، مشاوره با مشاوران مدرسه است در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی که در مدارس وجود دارد.

مثلاً ما از یک «ان. جی. او»، برای بازی و

کتاب‌خوانی دعوت کردیم در مدرسه‌مان که بیایند برای بچه‌ها یک روز جشن کتاب و کتاب‌خوانی و بازی داشته باشند. در حین بازی، متوجه شدیم که بچه‌های این مدرسه چه قدر با بازی‌های گروهی و جمعی مشکل دارند و وقتی بررسی کردیم، دیدیم اکثر بچه‌های مدرسه، تک فرزند هستند. این را از آن نظر می‌گوییم که بتوانیم مسائل ملموس را برای کار در نظر بگیریم. با مراجعه به مشاوران، می‌توانیم معضلات و مسائلی را که در دبستان‌ها و مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها هست، بشناسیم. تمام این‌ها می‌تواند در جذب مخاطب مؤثر باشد.

باباخانی: در مورد حقوق کودک، باید بگوییم که بچه‌های زیر ده سال که در مقطع ابتدایی هستند، خیلی هاشان در خانواده‌شان و با جامعه مشکلاتی دارند که بعضی موارد آن در مطبوعات دیده می‌شود و خیلی موارد اصلاً مشهود نیست. به هر حال، بچه‌ها با خانواده‌هایشان دست و پنجه نرم می‌کنند و اصلاً نمی‌دانند باید به کجا مراجعه کنند یا چه حق و حقوقی دارند. این موضوع خیلی مهمی است. این بچه‌ها واقعاً آسیب‌پذیرند. به لحاظ سنی و شرایطی که دارند، خیلی لازم است این موضوع حتماً در کتاب‌شان باشد.

نکته دیگر، مسئله اوقات فراغت است که خیلی هم در موردش صحبت

می‌شود، ولی به این موضوع در کتاب‌های درسی، چندان پرداخته نمی‌شود. لازم است در کتاب‌های درسی به این موضوع پرداخته شود و بچه‌ها آموزش ببینند. در مورد مطالعات خارج از کتاب هم اصلاً باید فراگیری آموزش به بچه‌ها آموخته شود و این طور نباشد که آن‌ها فقط مدرسه را ملاک قرار بدهند. برای این که مطالب کتاب‌ها به روز باشد، باید بچه‌ها به مطالعه مطبوعات هم سوق داده شوند. خوشبختانه مطبوعات کودک و نوجوان در حال افزایش است و آن‌ها می‌توانند از این طریق هم به مسائل روز و اجتماعی پی ببرند. متأسفانه این موضوع در کتاب‌های علوم اجتماعی، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

نعمت‌اللهی: جای طنز هم در کتاب‌های علوم اجتماعی خالی است. می‌دانید که بچه‌ها با طنز ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. دیگر این که نباید بچه‌های گروه سنی ابتدایی را دست‌کم بگیریم. اگر می‌خواهیم شناخت پیدا کنند، باید بار آموزشی جملات را کم کنیم. لازم نیست مستقیم بگوییم بچه‌ها آب را کم‌تر مصرف کنید. اگر تصویر عمیقی از یک برهوت به او بدهیم، این تصویر برای همیشه در ذهن کودک می‌ماند. بچه‌ها با مفاهیم هم تا حدودی آشنا هستند و ما

نصیری:

قابل ذکر است که برنامه درسی، همه کتاب درسی نیست و

کتاب درسی جلوه‌ای از برنامه درسی است، نه همه آن.

رسانه‌های دیگر یا عناصر دیگری در کنار کتاب درسی وجود دارند

که آن‌ها هم تکمیل‌کننده برنامه درسی اند

فلاحیان:

تربیت اجتماعی یک اصطلاح عمومی است و تأثیر تربیتی همه

محیط‌ها را دربرمی‌گیرد. فرض کنید خانه، مدرسه و اجتماع و

تلویزیون و غیره همه در تربیت اجتماعی تأثیر دارند.

پس می‌توانیم بگوییم برنامه درسی مطالعات اجتماعی که ما

از آن صحبت می‌کنیم، یکی از ارکان تربیت اجتماعی است

باید از مفاهیم استفاده کنیم برای شناخت بیشتر بچه‌ها.

هجری: خیلی متشکریم. اگر دوستان صحبتی دارند و یا می‌خواهند

جمع‌بندی کنند، خواهش می‌کنم به عنوان حسن ختام بفرمایید.

ناصری: من خودم را مکلف می‌دانم که تشکر کنم از این فضای دوستانه‌ای

که داشتیم و استفاده کردیم و البته بخشی از مسائل و نکات هم نگفته ماند. من

خواهش می‌کنم که عزیزان ما را یاری کنند. اولین قدم این است که مفاهیم

بیشتری پیدا بکنیم. برای این کار، ما باید ادبیات همدیگر را بهتر بشناسیم و فکر

می‌کنم بهترین راه این باشد که شما حداقل کتاب‌های درسی را ورق بزنید و

نظریات‌تان را دقیق و کاربردی‌تر کنید. ما می‌توانیم این راهنماها را که در واقع

شناسنامه‌های کتاب‌های درسی هستند، در اختیارتان بگذاریم و شما با توجه به

ایده‌های اساسی این برنامه، مفاهیم، اصول و سازمان دهی خاصی که در کتاب‌ها

داریم، به ما راهنمایی کنید.

هجری: من از دوستانی که فرصت نشد سوالات‌شان را مطرح کنند،

عذرخواهی می‌کنم. شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. از دوستان عزیز تشکر

می‌کنم.